

استفاده سازمان‌ها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی

اکبر پیروفر

بانک‌ها با اعتقاد به این که قوانین فوق‌الذکر شامل بانک‌ها نیز می‌شود، در دعاوی مطروحه مربوط به خود، از نماینده قضایی استفاده نمودند که این استنباط موجه نبود، زیرا مقررات فوق‌ناظر به دولت بود و بانک‌های ملی‌شده، به موجب رای وحدت‌رویه دیوان عالی کشور، دولت شناخته نشدند^(۵). علاوه بر این، اداره حقوقی وزارت دادگستری هم در پاسخ استعلام نظر راجع به امکان استفاده بانک‌ها از نماینده قضایی در محاکمات، چنین اظهارنظر کرد: «بند "الف" تبصره ۱۸ قانون الحاق دو تبصره به قانون متمم بودجه سال ۱۳۴۷، به وز ارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت اجازه استفاده از کارمندان رسمی خود را به عنوان نماینده قضایی داده است و موسسه دولتی به موجب ماده ۳ قانون محاسبات عمومی (قانون قبلی مصوب سال ۱۳۴۹) واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد و به وسیله دولت اداره می‌شود و اعمال حق حاکمیت می‌نماید و بانک چنین وضعیتی را ندارد تا عنوان موسسه دولتی یا وابسته به آن قابل صدق باشد و مندرجات لایحه قانونی متمم لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها مصوب سال ۱۳۵۸ نیز حکایتی ندارد که بانک‌های استان از موسسات دولتی یا وابسته به دولت شده است. ضمناً مفاد رأی وحدت رویه شماره ۱۳ ردیف ۲/۶۱ مورخه ۱۳۶۱/۳/۲۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور موید همین نظر است. بنا به مراتب مذکور، دولت شامل وز ارتخانه‌ها و سازمان‌هایی است که با بودجه دولت اداره می‌شوند و اعمال حاکمیت می‌نمایند و شامل بانک‌های ملی‌شده که به امور بازرگانی اشتغال داشته و جنبه انتفاعی دارند، نمی‌شود. لذا دعاوی بانک‌ها، دولتی محسوب نیست و از شمول مقررات فوق‌الذکر خارج است.» (نظریه شماره ۷/۱۸۰۹ مورخ ۱۳۶۲/۵/۳).

لازم به یادآوری است که در پاره‌ای موارد، دادگاه‌ها مداخله نماینده قضایی بانک را در دعاوی مطروحه قبول نمی‌کردند که ایرادی به عملکرد آنها وارد نیست.

سپس برای رفع مشکل بانک‌ها در این زمینه، با اقدام‌هایی که انجام یافت، بالاخره در سال ۱۳۷۴ قانونی با عنوان: «قانون استفاده بعضی از دستگاه‌ها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی و معافیت بنیاد شهید انقلاب اسلامی و کمیته امداد امام خمینی(ره) از پرداخت هزینه دادرسی^(۶)» به تصویب رسید. به موجب این قانون و الحاقیه مصوب سال ۱۳۷۶، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد پانزده خرداد، کمیته امداد امام خمینی(ره)، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، ستاد رسیدگی به امور آزادگان، شهرداری‌ها و بانک‌ها و دانشگاه‌های غیردولتی و شرکت‌های دولتی و موسسات انتفاعی وابسته به دولت که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، و

برطبق تبصره ۳۰ قانون بودجه سال ۱۳۳۹، به دولت اجازه داده شد در دعاوی که محکوم‌ه واقع می‌شود، خسارت حق‌الوکاله را مطابق آیین‌نامه قانون وکالت، از طرف دعوا مطالبه نماید و دادگاه‌ها نیز مکلف شده‌اند که این حق را به تقاضای نماینده دولت و با صدور حکم اعلام دارند^(۱). مستفاد از این تبصره این است که نماینده دولت می‌توانسته از ادعای مطروحه در مرجع قضایی دفاع نماید و دادگاه نیز مکلف شده است در دعاوی که دولت محکوم‌ه واقع می‌شود، به تقاضای نماینده، به خسارت حق‌الوکاله به نفع دولت حکم بدهد.

در سال ۱۳۴۴ به موجب ماده واحده، به وزارت دارایی اجازه داده شد تا نسبت به دعاوی که دولت در محاکم قضایی محکوم‌ه واقع شده و طرف به پرداخت حق‌الوکاله در حق دولت محکوم می‌شود، سی درصد از حق‌الوکاله وصولی مورد حکم را به نماینده قضایی ذی‌مدخل - مشروط به این که از کارمندان وز ارتخانه مربوطه بوده و دادرسی بدون دخالت وکیل انجام گرفته باشد - بپردازد و ۲۰ درصد آن را به تشخیص وز ارتخانه مربوطه، به کارمندانی که در پیشرفت دادرسی موثر شناخته می‌شوند، پرداخت کند و در هر صورت، میزان پرداختی در هر دعوا نباید در مورد نماینده قضایی، از چهار ماه حقوق و در مورد سایر کارمندان، از دو ماه تجاوز نماید. برطبق تبصره این ماده، نماینده قضایی در صورتی مجاز به اقامه دعوا یا دفاع از آنست که از طرف وز ارتخانه مربوطه مجاز به اقدام باشد^(۲).

در سال ۱۳۴۸ تبصره‌های ۱۸ و ۱۹ به قانون متمم بودجه سال ۱۳۴۷ الحاق گردید. به موجب تبصره ۱۸، به وز ارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت اختیار داده شد که علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری، برای دفاع و تعقیب دعاوی مربوطه، از کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند:

۱- دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی وز ارتخانه و یا موسسات وابسته به دولت.

۲- داشتن حداقل پنج سال سابقه تعقیب دعاوی دولت در مراجع قضایی یا داشتن دو سال سابقه قضاوت و یا وکالت دادگستری به شرط عدم محرومیت از اشتغال به قضاوت یا وکالت^(۳).

ضمناً به موجب این ماده واحده، ماده ۴ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون آیین‌نامه دادرسی مدنی و الحاق موادی به آن لغو گردید^(۴).

پس از ملی‌شدن بانک‌ها در سال ۱۳۵۸ و تعلق سرمایه آنها به دولت، بعضی از



قراردادهای تنظیمی، نسبت به صدور اجرائیه و وصول مطالبات بانک اقدام نمایند و در نتیجه، هرگاه حق الوکاله در قرارداد اعطایی تسهیلات پیش‌بینی شده باشد، به حکم تبصره مذکور، این حق الوکاله قابل وصول از بدهکار است. اما می‌بایست توجه نمود که مراد از حق الوکاله، وجهی است که به وکیل دادگستری پرداخت می‌شود و برطبق ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی، نماینده بانک معمولاً کارمند بانک است، آنهم بدون داشتن سابقه قضاوت یا وکالت. علاوه بر این، تبصره ۱ ناظر به تسهیلات اعطایی بانک‌هاست، در صورتی که بانک‌ها با دعاوی دیگری هم مواجه هستند. در نتیجه، مطالبه و دریافت وجهی از محکوم علیه دعاوی که نماینده حقوقی بانک دخالت داشته است، می‌بایست به موجب قانون تجویز گردد.

مجموع مقرراتی که به آنها اشاره شد، در زمانی مربوط به دولت بوده و از سال ۱۳۷۴ به بعد بانک‌ها هم مطرح شده‌اند، به این معنی که مقررات قبل از سال ۱۳۷۴ ناظر به دولت می‌باشد با مجوز دریافت حق الوکاله، و مقررات سال ۱۳۷۴ به بعد، ناظر به بانک‌ها و سایر سازمان‌های ذکر شده در قانون می‌باشد، اما در حال حاضر که بانک‌های غیردولتی (خصوصی) هم در ایران تشکیل یافته‌اند، باید دید که مقررات مورد اشاره شامل بانک‌های خصوصی هم می‌شود یا خیر؟ منظور از مقررات، قانون مصوب سال ۱۳۷۴ و قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ است که ماده ۳۲ آن مورد استناد می‌باشد. اولین قانون مربوط به بانک‌ها مصوب سال ۱۳۷۴ می‌باشد. قانون اجازه تاسیس بانک‌های غیردولتی هم در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۱ تصویب شده و تاریخ تصویب ماده ۳۲ آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۸/۲/۱۴ و مجموع قانون هم ۱۳۷۹/۱/۲۸ است. بنابراین، در تاریخ‌های مذکور بانک خصوصی وجود نداشته است. علاوه بر این، سازمان‌هایی که در ماده ۳۲ نام برده شده‌اند، موسسات خصوصی نیستند. ضمناً به موجب بند "الف" ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور، تشکیل بانک به صورت سهامی عام ممکن است و شش بانک خصوصی که در ایران تشکیل شده‌اند، سهامی عام می‌باشند. در نتیجه، بانک‌های خصوصی از شمول مقررات یادشده، یعنی استفاده از نماینده خود در دادرسی‌ها خارج هستند.

یادآور می‌شود که به موجب خبر منتشر شده در تاریخ ۸۵/۷/۱۶، براساس بخشنامه معاون حقوقی و امور مجلس رییس‌جمهوری خطاب به وز ارتخانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و استانداری‌های کشور، دستگاه‌ها موظف شده‌اند که در دعاوی مربوط نسبت به مطالبه خسارت حق الوکاله اقدام نمایند.

زیرنویس‌ها

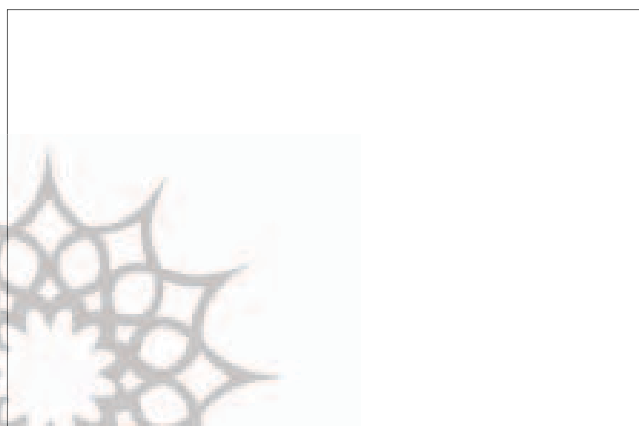
- ۱) مجموعه قوانین سال ۱۳۳۹ / صفحه ۱۸۷.
- ۲) مجموعه قوانین سال ۱۳۴۴ / صفحه ۱۹۱.
- ۳) مجموعه قوانین سال ۱۳۴۸ / صفحه ۲۳۱.
- ۴) ماده ۴: در دادگاه‌های بخش و شهرستان، متداعیین می‌توانند شخصاً یا به توسط وکیل دادرسی کنند، ولی در دادگاه‌های استان و دیوان کشور، برای تقدیم دادخواست و دادرسی، باید وکیل داشته باشند. داشتن وکیل در مورد شکایات استخدامی کارکنان دولت در دیوان کشور الزامی نیست. وکلای دادگستری در حدود پایه وکالت و دارندگان پایه قضایی و استادان دانشکده حقوق - اعم از شاغل یا بازنشسته - می‌توانند نسبت به دعاوی راجع به خودشان شخصاً در دادگاه استان و دیوان کشور دادخواست داده و دادرسی نمایند. مفاد این ماده نسبت به دادگاه‌های استان درج‌زده‌هایی اجرا می‌شود که وزارت دادگستری آگاهی نماید.
- ۵) مجموعه قوانین سال ۱۳۶۱ / صفحه ۱۰ / بخش رویه‌های قضایی.
- ۶) مجموعه قوانین سال ۱۳۷۴ / صفحه ۱۴۶.
- ۷) مجموعه قوانین سال ۱۳۷۴ / صفحه ۱۴۶ و مجموعه قوانین سال ۱۳۷۶ / صفحه ۵۶۱.
- ۸) مجموعه قوانین سال ۱۳۷۹ / صفحه ۱۷۷.

موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، اجازه یافتند تا نماینده حقوقی خود را جهت طرح دعوا یا دفاع از دعاوی مربوطه در مراجع قضایی معرفی نمایند^(۷).

به موجب ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ هجری شمسی، وز ارتخانه‌ها، موسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و موسسات عمومی غیردولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها، می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط، از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند:

۱- دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی دستگاه‌های مربوطه.

۲- دو سال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت.



② چون موضوع حق الوکاله یا حق الزحمه نماینده حقوقی بانک‌های دولتی و سایر سازمان‌ها در قانون مربوطه مسکوت مانده، لذا شایسته است که در این مورد هم اقدام قانونی لازم به عمل آید.

تشخیص احراز شرایط یادشده، به عهده بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قائم مقام قانونی وی خواهد بود. ارایه معرفی‌نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی الزامی است^(۸).

در این مصوبه، به سه موضوع باید دقت داشت:

اول - اداره حقوقی سازمان‌های مربوطه حق مداخله در دعاوی مطروحه را دارند. دوم - نماینده سازمان مربوطه می‌بایستی به دستگاه قضایی معرفی شود، یعنی معرفی‌نامه صادر شود که با این ترتیب، نماینده حقوقی سمت و صلاحیت خود را از قانون مصوب به دست می‌آورد و در نتیجه، نیازی به تشریفات دیگر از قبیل تفویض اختیار و غیره که ممکن است در بعضی از بانک‌های دولتی مرسوم باشد، نیست. سوم - برخلاف قوانین مقدم‌التصویب درباره دعاوی دولت، حق الوکاله یا حق الزحمه نماینده حقوقی بانک‌های دولتی و سایر سازمان‌ها مسکوت مانده است و شایسته است که به موجب قانون و همانگونه که در دعاوی دولت اشاره شد، دادگاه‌ها مکلف باشند در مواردی که بانک‌های دولتی یا سایر سازمان‌ها محکوم‌له واقع می‌شوند، حکم به پرداخت مبلغی در حق محکوم‌له را صادر نمایند. ترتیب استفاده از این وجه نیز می‌بایست به موجب قانون مشخص و معین شود.

ممکن است گفته شود که برطبق تبصره ۱ ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا، مراجع قضایی و دوائر اجرای ثبت مکلف شده‌اند که براساس مفاد اسناد و

